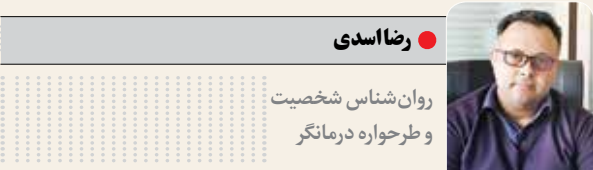




یادداشت

زخمی که زیر پوست پنهان می ماند



گسترش عمل های زیبایی همیشه به معنای افزایش سلامت روان یا اعتماد به نفس نیست. بخشی از این موج ریشه در سازوکارهای عمیق تری دارد که کمتر درباره اش صحبت می شود. در نگاه روان شناختی، میل افراطی به تغییر مداوم ظاهر اغلب تلاشی است برای درمان زخمی که نه روی صورت، بلکه در لایه های پنهان شخصیت شکل گرفته.

نخستین لایه نیاز شدید به تأیید بیرونی است. افرادی که ستون اصلی ارزشمندی خود را بر نگاه دیگران بنا کرده اند، وقتی کوچک ترین نقصی در چهره شان پدید می آید، احساس فروپاشی می کنند. در این حالت، عمل زیبایی کارکردی مشابه «آرام بخش روانی» پیدا می کند اما به جای حل مسأله، فقط موقتاً رنج را خاموش می کند. به همین دلیل معمولاً بعد از یک عمل، عمل بعدی می رسد.

عامل مهم دیگر، طحواره نقص و شرم است. کسانی که از کودکی با نقدهای شدید، مقایسه های تحقیرکننده یا تجربه های طرد رشد کرده اند، تصویر ذهنی شان از خود آسیب دیده است. این افراد حتی وقتی چهره شان مطابق استانداردهای زیبایی است، خود را ناایستده و «اشتباه» می بینند. عمل زیبایی در چنین شرایطی بیشتر تلاشی دفاعی است برای فرار از حس شرم، نه رسیدن به زیبایی.

در بخش دیگری از این طیف، افراد مبتلا به اختلال بدریخت انگاری بدن قرار می گیرند. در این وضعیت، فرد گرفتار وسواس نسبت به جزئیاتی می شود که برای دیگران کاملاً معمولی است. جراحی نه تنها مشکل را حل نمی کند بلکه وسواس را به ناحیه جدید منتقل کرده و چرخه ای فرساینده می سازد.

نقش جامعه هم قابل انکار نیست. فرهنگ «بدن ایده آل» و الگوریتم هایی که هر روز تصویر چهره های بی نقص را به صورت سیل وار به ما تحمیل می کنند، مقایسه دائمی را به یک سبک زندگی تبدیل کرده اند. در چنین فضایی، عمل زیبایی از «انتخاب» تبدیل می شود به «وظیفه»؛ وظیفه ای که اگر انجام نشود، فرد احساس عقب ماندگی می کند.

در نهایت پشت بسیاری از این جراحی ها، احساسات ناتمام وجود دارد؛ اضطراب های مزمن، شکست های عاطفی یا تلاش برای کنترل بخشی از زندگی که از دست رفته. تغییر صورت در اینجا نقش یک «فریب روانی» را بازی می کند؛ تغییری بیرونی برای فرار از بحران های درونی.

راه حل ها؛ از ترمیم درون تا تنظیم فرهنگ

نخستین گام برای کاهش این رفتارها، آموزش سواد روانی است. شناخت طحواره ها، آگاهی از مکانیسم های مقایسه اجتماعی و یادگیری تنظیم هیجان می تواند افراد را از چرخه فشار بیرونی جدا کند. بسیاری از مراجعان زمانی که ریشه شرم یا نیاز افراطی به تأیید را درک می کنند، از شدت وسواس برای تغییر ظاهرشان کاسته می شود. نقش درمانگران هم کلیدی است. استفاده از رویکردهایی مثل طحواره درمانی و درمان شناختی- رفتاری می تواند تصویر ذهنی فرد از خود را اصلاح کند. بخش مهمی از مداخلات، کمک به فرد برای مواجهه تدریجی با نقص های خیالی و کاهش باورهای تحریف شده درباره ظاهر است. وقتی ساختار درونی ترمیم می شود، نیاز به عمل های پیاپی به طور طبیعی کاهش می یابد. جامعه و رسانه ها نیز مسئولیت سنگینی دارند. وقتی الگوریتم ها فقط چهره های فیلترشده و بدن های بی نقص را پمپاژ می کنند، میل به دستکاری بدن ناگزیر افزایش پیدا می کند. سیاست گذاری در حوزه تبلیغات، محدود کردن جراحی های غیرضروری برای افراد زیر سن قانونی و تولید محتوایی که واقعیت بدن و چهره طبیعی را نمایش می دهد، می تواند بخشی از این آسیب را مهار کند. فرهنگ نیز به بازنگری نیاز دارد. ما باید زیبایی را از «معیارهای ثابت و قالبی» به سمت «تنوع و اصالت فردی» سوق دهیم. جامعه ای که امکان دیده شدن ویژگی های انسانی را فراهم می کند، افرادی کمتر مجبور می شوند خود را با تیغ جراح تطبیق دهند.

در نهایت، نقطه آغاز تغییر، خودفهمی است. اگر فرد یاد بگیرد میان نیاز واقعی و فشار مصنوعی تمایز بگذارد، بسیاری از تصمیم های شتابزده جای خود را به انتخاب های سالم می دهند. زیبایی یک تجربه روانی است، نه فقط یک مهندسی ظاهری. وقتی ذهن آرام می باشد، چهره هم کمتر طلبکار تغییر می شود.

پلیس آگاهی فراجا با هشدار نسبت به کلاهبرداری های سرمایه گذاری در حوزه رمزارها اعلام کرد؛ هیچ سود تضمینی ای در بازار واقعی وجود ندارد و وعده هایی نظیر ۵درصد سود روزانه تنها تله ای برای فریب کاربران و سرقت دارایی های شان است. پلیس آگاهی درخصوص کلاهبرداری های سرمایه گذاری و رمزارز بیان کرد: فریب وعده های سود بالا را نخرید. وعده هایی مانند روزانه ۵درصد یا ماهی ۵۰درصد سود تضمینی ترند کلاهبرداران است.



این روزها تب عمل های زیبایی باعث جولان پزشک های قلابی در فضای مجازی و کلینیک های جراحی شده و این افراد بدون تخصص نه فقط به چهره بیماران زیبایی نمی بخشند، بلکه زیبایی آنها را هم می گیرند. اغلب این مجرمان مدرک دانشگاهی نداشته و بعد از مدتی کار در کلینیک های زیبایی، خود را در فضای مجازی پزشک معرفی کرده و فعالیت خود را آغاز کرده اند. بررسی پرونده پزشکان قلابی آنها را به دو دسته تقسیم می کند؛ گروه اول که فقط دنبال کلاهبرداری در فضای مجازی هستند و گاهی هویت پزشکان سرشناس را جعل می کنند. آنها پس از شکار طعمه ها در فضای مجازی از آنها می خواهند عکس هایی از خود همراه پیش پرداخت عمل جراحی ارسال کنند. بعد از واریز پول هم دیگر پاسخگوی بیماران نخواهند بود. حتی آنها را برای این که شکایت نکنند به انتشار عکس های شان تهدید می کنند. گروه دوم پا را فراتر گذاشته و وارد فاز خطرناکی شده و دست به تیغ برده و گاهی باعث مرگ بیمار هم می شوند. فعالیت این پزشک نماها باعث افزایش پرونده های دادسرای جرائم پزشکی تهران شده است. رئیس کل دادگستری استان تهران هم به موضوع واکنش نشان داد. در آخرین پرونده تشکیل در رابطه با پزشک نماها، مرد بادنک فروش پارک، در عالم جراحی زیبایی پرواز کرد. این متهم با شکایت تعدادی از بیمارانش دستگیر شد. تحقیقات نشان داد این مرد مدتی در پارک پردیسان بادنک می فروخته که پس از آشنایی با مردی، وارد کلینیک زیبایی شده و مدتی به عنوان دستیار با او همکاری می کرده. این فرد پس از آشنایی با این کار، دو کلینیک زیبایی در غرب تهران راه اندازی و شروع به جراحی زیبایی کرد. متهم پس از دستگیری به جرائم خود اعتراف کرد. افزایش شکایت ها از پزشک نماها باعث شد این هفته سراغ پرونده تعدادی از این مجرمان برویم و ریشه های افزایش اعمال زیبایی و مجازات قانونی آنها را بررسی کنیم.

سفری بازگشت

زن ایرانی وقتی برای دیدن فرزندانش به ایران آمد، تصمیم به انجام عمل زیبایی گرفت اما قربانی حادثه هولناکی شد. ماجرای این پرونده با گزارش زن میانسانی در یکی از کلینیک های زیبایی پایتخت آغاز شد. بررسی ها نشان می داد متوفی مقیم

در ادامه پلیس آگاهی فراجا عنوان کرد؛ هیچ سرمایه گذاری واقعی، سود قطعی و تضمین شده ای وجود ندارد. در ادامه هشدارهای پلیس اشاره شده؛ به افراد ناشناس در فضای مجازی اعتماد نکنید. کلاهبرداران با کلیدواژه هایی مانند قرعه کشی، یارانه یا سهام عدالت می کوشند تا اعتماد شما را جلب کنند. در ادامه آمده است: فقط از صرافی ها و پلتفرم های معتبر و مجاز استفاده کنید. قبل از هرگونه واریز وجه، از قانونی بودن درگاه پرداخت یا

زیبایی زیرپله ای!

این هفته سراغ پزشک نماهایی رفتیم که بدون تخصص به عمل زیبایی اقدام می کنند

انگلستان بوده و مدتی قبل برای دیدن فرزندانش به ایران آمده است. او در این مدت تصمیم به عمل زیبایی تخلیه غبغب می گیرد؛ به همین دلیل به کلینیکی در شمال تهران مراجعه می کند اما بعد از جراحی حالش بد می شود و در نهایت جانش را از دست می دهد. تحقیقات نشان می داد متوفی از طریق تبلیغات اینستاگرامی با یک جراح زیبایی آشنا می شود. بیج این جراح زیبایی نزدیک به یک میلیون فالوئر داشت اما وقتی مأموران برای انجام تحقیقات میدانی به مطبش در شمال تهران می روند معلوم می شود کارکنان آنجا شبانه مطب را تخلیه و فرار کرده اند. در ادامه، ابعاد دیگری از این ماجرا فاش می شود. مرد جراح کلاهبردار، است. طبق بررسی مأموران، این پزشک تا دیپلم بیشتر درس نخوانده بود اما با این حال کلینیک مجلل و لوکسی در شمال تهران راه اندازی کرده و با تبلیغات گسترده به فریب افراد اقدام می کرد. باکشف این شواهد، دستور بازداشت این پزشک قلابی صادر و در ادامه تحقیقات مشخص می شود این مرد که خودش را پزشک جا زد، دو فقره سابقه کفبری داشته است. او پیش از این به جرم حمل سلاح و دایر کردن مرکز فساد و فحشا دستگیر و زندانی شده اما پس از آزادی، تصمیم به یادگیری علم پزشکی گرفته و مطب دایر کرده است. هرچند مدعی بود که فقط آمپول بوتاکس تزریق می کرده و جراحی زیبایی را پزشک دیگری انجام می داده اما در ادامه با توجه به شواهد و مدارک به جرم خود اعتراف کرد.

آتش زدن جسد بیمار

در پرونده ای زن و دخترانی که برای زیبایی به کلینیک پزشک معروف فضای مجازی رفته بودند، نمی دانستند او پس از مرگ یکی از بیمارانش چه سناریوی هولناکی را اجرا کرده است. از تابستان سال گذشته شکایت هایی در دستور کار پلیس تهران قرار گرفت مبنی بر این که مردی ۶۰ساله با معرفی خود به عنوان پزشک زیبایی و با تبلیغات گسترده در اینستاگرام، زن و دختران را فریب داده و بعد از تزریق ژل دست ساز خود معروف به روغن سوپا باعث مشکلاتی پوستی و نقص عضو در آنها شده است.

با دستور قضایی مأموران به کلینیک مورد نظر در یکی از محله های تهران می روند اما از پزشک قلابی اثری پیدا نمی کنند. تحقیقات در این رابطه ادامه داشت تا این که

برش

هشدار به پزشکان قلابی

رئیس کل دادگستری استان تهران روز شنبه با اشاره به ابعاد اجتماعی، قضایی و اخلاقی آسیب های ناشی از مداخلات غیرمجاز در جراحی های زیبایی، اظهار کرد: پدیده رواج جراحی های غیرتخصصی، امروز به معضلی جدی برای سلامت عمومی و امنیت روانی جامعه بدل شده؛ به نحوی که این موضوع هم به اعتماد مردم نسبت به جامعه پزشکی لطمه وارد کرده و هم حیات و سلامت شهروندان را در معرض خطر قرار داده است.

علی القاصی خاطرنشان کرد: پیش از ورود رسمی این موضوع به دستور کار شورای پیشگیری از وقوع جرم دادگستری، جمعی از پزشکان صاحب نام و متخصصان جراحی پلاستیک با ابزار نگرانی های خود را نسبت به گسترش فعالیت افراد فاقد صلاحیت؛ به درستی ابعاد فنی، حرفه ای و پیامدهای اجتماعی آن را تشریح کردند.

وی در ادامه اذعان کرد: ورود اشخاص غیرپزشک به این حوزه و انجام اقدامات درمانی و جراحی به نام جامعه پزشکی، نه فقط ستمی آشکار به مردم است، بلکه حیثیت حرفه ای پزشکان را نیز زیر سؤال می برد. متأسفانه گزارش هایی از فعالیت اشخاصی دریافت شده که نه فقط جراح یا پزشک نیستند، بلکه هیچ ارتباطی با حوزه سلامت ندارند و در محیط هایی فاقد استانداردهای بهداشتی اقدام به جراحی می کنند. چنین تخلفاتی هم واجد وصف کفبری است، هم تخلف انتظامی و هم موجب مسئولیت مدنی است و باید بی درنگ در مراجع ذی صلاح پیگیری شود. عده ای معدود از اشخاص، از جایگاه و تقدس حرفه پزشکی سوءاستفاده می کنند اما اثرات عملکرد آنان گسترده و بازتاب اقدامات شان در جامعه چشمگیر است. این اشخاص با تبلیغات فریبنده و اقدامات غیرمجاز، جامعه بزرگ پزشکی را هدف قرار داده، به اعتبار حرفه پزشکی آسیب می رسانند و بخش قابل توجهی از شهروندان بی دفاع، قربانی تبلیغات کاذب و تصورات غلط می شوند. وی در ادامه تصریح کرد: برخی اشخاص به نام پزشک در حوزه زیبایی و جراحی فعالیت می کنند بدون آن که پروانه پزشکی داشته باشند. این اشخاص به وضوح مجرمند و مرجع قانونی، یعنی وزارت بهداشت و دستگاه های قضایی و اطلاعاتی، موظف به برخورد قاطع با آنان هستند. همچنین گزارش های واصله حاکی از این است که برخی پزشکان پس از بازنشستگی، مهر و اعتبار خود را در اختیار اشخاص سود جو قرار داده اند؛ در این موارد، هم استفاده کننده از مهر و هم پزشک مسبب باید تحت پیگرد قانونی قرار گیرند. القاصی در پایان با هشدار به اشخاصی که بدون مجوز اقدام به تأسیس یا بهره برداری از مراکز جراحی محدود می کنند، تأکید کرد: هرگونه فعالیت در این حوزه بدون مجوز رسمی از وزارت بهداشت و ثبت مشخصات در سامانه های نظارتی تخلف محسوب می شود و مشمول برخورد کیفری خواهد بود. دادستان ها و مراجع انتظامی مکلفند در صورت مشاهده چنین مواردی، بلافاصله اقدامات قانونی لازم را به عمل آورند.

ندهیم، دخترمان را خواهد کشت.

با اظهارات آنها متوجه شدیم که با پرونده آدم ربایی به قصد اخاذی روبه رو هستیم. به همین دلیل از پدر خواستم وضعیت مالی اش را شرح دهم که گفت: وضعیت مالی آنچنان خوبی ندارم ولی در شهر جزو افراد پولدار محسوب می شوم و فکر می کنم دخترم طعمه شده تا آدم ربایان از من اخاذی کنند. برای من دخترم و در آغوش کشیدن او مهم است. دزدان به ما گفته اند موضوع را به پلیس گزارش ندهید وگرنه مریم را می کشیم! نمی خواهم کسی بفهمد ما به پلیس مراجعه کردیم.

آنها را آرام کردم و پراساس تجربه، آموزش هایی را به آنها دادم که با ملایمت با آدم رباها صحبت کنند. هیچ وقت آنها را اعصابی نکنند و منتظر باشند تا روز دو آینده دزدان برای محل تحویل پول و آزادی بچه با آنها تماس بگیرند. با دادستان شهر هم هماهنگ کردیم و خط تلفن خانه مریم در اختیار ما قرار گرفت تا بتوانیم ردی از دزدان به دست آوریم. روز قرار همراه دو همکارم به صورت نامحسوس به خانه آنها رفتیم تا تماس برقرار شود اما هرچه منتظر ماندیم، هیچ تماسی از سوی آدم ربایان برقرار نشد. یک هفته از زبون مریم کوچولو می گذشت اما دزدان هیچ تماسی نگرفتند و ابن نگران کننده بود.

صرافی اطمینان حاصل کنید. پلیس با اشاره به نکات امنیتی مهم اعلام می دارد که سود بالا و سریع نشانه خطر است؛ هیچگاه سرمایه خود را به حساب با کیف پول افراد ناشناس منتقل نکنید. و مراقب لینک های ناشناس در شبکه های اجتماعی باشید. چون بسیاری از آنها صفحات فیشینگ هستند. از ارسال مدارک شخصی و اطلاعات بانکی برای افراد یا کانال های غیررسمی نیز خودداری کنید.



را به قتل رساندیم و برای این که جسدش پیدا نشود جنازه را در حیاط خانه ام دفن کردیم. منتظر ادامۀ مرد آدم ربایان شدم و سریعاً ضمن هماهنگی با بازپرس جنایی، راهی خانه متهم شدیم. ما شروع به حفر با کندن دو متر به جنازه دختر ۱۲ساله که هنوز لباس مد رسیدیم. پزشک قانونی همان جا معاینه را آغاز کرد. نشان می دهد دختر نوجوان به علت خفگی جانست اما علت اصلی مرگ را پس از بررسی های تخصصی می توانم اعلام کنم. جسد را به پزشکی قانونی منتقل به اداره بازگشتم تا تحقیقات متهمان را ادامه دهد. می دانستند چه بلایی سر مریم کوچولو آمده و خانوۀ آگاهی آمدند که آنها را به اتاقم راهنمایی کردم و گفتند بازجویی با آنها دیدار می کنم. برابم جالب بود س پشیمانی در چهره شان نبود و فقط ادعا می کردند نداشتند و می خواستند با این پول به ثروت برسند که به پول دسترسی پیدا نمی کنند، جان دختر نوجو به دنبالش این بودند که رازشان فاش نشود.

به همین خاطر تصمیم گرفتیم روند رسیدگی به پرونده را تغییر دهیم و دیگر منتظر آدم ربایان نباشیم. تحقیقات محلی را بیشتر کرده و محل تردد مریم را چندین و چند بار بررسی کردیم تا متوجه شدیم در روز ربودن او، سه مرد دختر نوجوان را سوار خودروی خود کرده و به سرعت از خیابان روبه روی مدرسه متواری شده اند. در بررسی دوربین های اطراف مدرسه، تصویر آن سه مرد و خودرو را به دست آوردیم و هویت آنها یرا ما مشخص شد. شبانه و در سه عملیات جداگانه آنها را در خانه های شان دستگیر و به اداره آگاهی منتقل کردیم. نجات جان مریم کوچولو از همه چیز مهم تر بود. به همین خاطر آنها تا به اداره آگاهی رسیدند، برای بازجویی به اتاق منتقل شدند. از سه مرد جوان خواستم که بگویند دختر ۱۲ساله کجاست که طراح اصلی آدم ربایی بدون هیچ مقاومتی شروع به صحبت کرد. مرد جوان مدعی شد قصد داشتیم از خانواده این دختر که پولدار بودند، مبلغ زیادی باج بگیریم و به پول زیادی دست پیدا کنیم. نقشه را من کشیدم و با کمک دو دوستم مریم را در مسیر بازگشت از مدرسه ربوده و با خانواده اش تماس گرفتیم. دو روز بعد به این نتیجه رسیدیم که هر کاری کنیم، لو می رویم و پلیس ما را دستگیر خواهد کرد. به همین دلیل دختر نوجوان

خاطره

راز قتل هولناک مریم

رازگشایی از قتل دختر ۱۲ ساله که قربانی طمع آدم ربایان شده بود

پرونده ای است که این هفته از زبان کارآگاه پلیس روایت کرده ایم

پلیس آگاهی مراجعه کردیم.

اطلاعات دختر ۱۲ساله را گرفتم. شکایت آنها را ثبت کردم و قول دادم که خیلی زود دختر نوجوان را به آغوش خانواده بازگردانم. می دانستم در این شهر کوچک وقتی چنین حوادثی رخ می دهد، شرایط سخت و پرونده پیچیده است.

صبح روز بعد وقتی به اداره رسیدیم، پدر و مادر مریم زودتر از من منتظر بودند. وقتی از آنها پرسیدم خبری از دختر شده یا نگرانی گفتند خیر اما فردی با ما تماس گرفت و ادعا کرد دخترمان را از مسیر مدرسه ربوده و اگر تا دو روز آینده ۱۰۰ میلیون تومان پولی که خواسته را تحویلش

۱۱سال قبل در اداره جرائم جنایی پلیس آگاهی یکی از شهرهای شمال غربی کشور مشغول خدمت بودم. روزهای ابتدایی مهر بود که خانواده ای هراسان به اداره مراجعه کرده و مدعی شدند که دخترشان از مدرسه بازنگشته است.

آنها را آرام کردم و خواستم که هرآنچه می دانند را بگویند که پدر خانواده گفت: دخترم مریم ظهر امروز از مدرسه بازنگشت، یک ساعتی صبر کردیم و گفتیم شاید خانه دوستانش رفته ولی وقتی غیبش طولانی شد، بیمارستان شهر، کلاتری و خانه دوستانش را زیرورو کردیم اما خبری از او نبود. به همین خاطر برای ثبت شکایت و پیدا شدن او به